

Exploring the development of mental security in divorced women: A qualitative study

Banafshe Hasanvand¹, Fatimah Nosrati², Zahra Jahanbakhshie³, Hossein Keshavarz Afshar⁴

1-PhD Student, Department of Counseling, Aras International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: Fnosrati@ut.ac.ir

3- Assistant Professor, Department of Counseling, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

4- Assistant Professor, Department of Counseling, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 07/02/2023

Accepted: 05/07/2023

Abstract

Introduction: Marital separation is a significant life event that often results in a stressful and challenging period for both parties involved. This period may be particularly intense for women. Understanding the factors that can mitigate these conditions is crucial for managing this transitional phase effectively.

Aim: This study aimed to elucidate the process of mental security development in divorced women using a qualitative approach.

Method: This phenomenological study employed a qualitative method. The sample population comprised women from Al-Shatar City, Selseleh County, Lorestan Province, Iran, who had been divorced for a period ranging from 6 months to 6 years during 2021-2022. 18 participants were selected through purposive sampling and the data were collected using semi-structured interviews. The MAXQDA software was utilized to streamline the coding and analysis processes.

Results: The results identified 4 key factors influencing the development of mental security in the divorced women studied: grounding factors, revealing factors, sustaining factors, and stabilizing factors. These factors collectively resulted in physical, mental, emotional, cognitive, and behavioral effects, thereby laying the foundation for mental security in these women.

Conclusion: Mental security in divorced women is a multi-faceted construct influenced by various factors. Identification of these factors may vary across different environments, cultures, and societies. Recognizing these factors can inform the development of effective strategies to enhance mental security of divorced women.

Keywords: Mental security, Divorce, Qualitative method

How to cite this article: Hasanvand B, Nosrati F, Jahanbakhshie Z, Keshavarz Afshar H. Exploring the development of mental security in divorced women: A qualitative study. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2023; 10(4): 147-160. URL: <https://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1820-en.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

تبیین فرایند شکل‌گیری امنیت روانی زنان مطلقه: یک پژوهش کیفی

بنفشه حسونند^۱، فاطمه نصرتی^۲، زهرا جهانبخشی^۳، حسین کشاورز افشار^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: Fnosrati@ut.ac.ir

۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

چکیده

مقدمه: جدایی بین زوجین یکی از ویژگی‌های پیوندهای زناشویی است. پس از جدایی برای زوجین شرایطی متفاوت و آمیخته با تنش شکل می‌گیرد که ممکن است برای زنان کمی شدیدتر باشد. شناخت عوامل تعدیل‌کننده این شرایط می‌تواند به مدیریت این دوران کمک شایانی نماید.

هدف: این پژوهش با هدف تبیین فرایند شکل‌گیری امنیت روانی زنان مطلقه به روش کیفی انجام شد.

روش: روش پژوهش حاضر کیفی و به شیوه پدیدارشناسی انجام شد. جامعه آماری زنان مطلقه شهرستان الشتر در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود، که حداقل شش ماه و حداکثر ۴ سال از طلاق آن‌ها گذشته باشد. تعداد ۱۸ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جهت گردآوری داده‌ها استفاده شد. به منظور تسهیل در فرآیند کدگذاری و تحلیل از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای استفاده شد.

یافته‌ها: مطابق یافته‌ها عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری امنیت روانی زنان مطلقه عبارتند از: الف) عوامل زمینه‌ساز ب) عوامل آشکارساز ج) عوامل تدوام‌بخش د) عوامل تثبیت‌کننده که در مجموع این عوامل باعث ایجاد تاثیرات بدنی و جسمی، تاثیرات روانی و خلقی، تاثیرات شناختی و تاثیرات رفتاری شده که زمینه ایجاد امنیت روانی در زنان مطلقه را ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری: امنیت روانی در زنان مطلقه یک متغیر چند بعدی است و عوامل متعددی در فرایند شکل‌گیری این فرایند نقش دارند. شناسایی این عوامل در محیط‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع مختلف می‌تواند متفاوت باشد که می‌توان با شناخت آن‌ها اقدامات لازم و موثر در راستای بهبود و ارتقای امنیت روانی زنان مطلقه را تنظیم و ایجاد نمود.

کلیدواژه‌ها: امنیت روانی، طلاق، کیفی

مقدمه

طلاق^۱ یکی از پدیده‌های اجتماعی است که ابعاد مختلفی دارد. نخست اینکه پدیده‌ای روانی است، زیرا هم در تعادل روانی دو انسان و هم در فرزندان، دوستان، بستگان و نزدیکان آن‌ها اثر می‌گذارد. ثانیاً، طلاق پدیده‌ای اقتصادی است؛ به این معنا که عوامل اقتصادی می‌توانند مانع از آن شده و یا باعث از هم گسیختگی خانواده می‌شود. گذشته از این، طلاق پدیده‌ای مؤثر بر همه جوانب جمعیت‌شناسی در یک جامعه است، طلاق‌های به وقوع پیوسته در ایران در طول ۱۸ سال (از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۳) با نرخ رشد ۲۸ درصدی روبه‌رو بوده است؛ اما به فاصله تقریباً ۷ سال (از ۱۳۸۳ تا شش ماهه اول ۱۳۹۰)، افزایش ۲۵ درصدی طلاق مشاهده می‌شود (خلج آبادی فراهانی، تنها و ابوترابی‌زارچی، ۱۳۹۸). طبق بررسی‌های مختلف حدود نیمی از ازدواج‌های اول در ایالات متحده به طلاق ختم می‌شود و تقریباً ۶۷٪ از ازدواج‌های دوم و بعدی نیز به طلاق منجر می‌شود (امرسون، هریس و فتیا، ۲۰۲۱). پژوهش‌های مختلف بیانگر این نکته است که طلاق علاوه بر اینکه اثرات منفی بر فرد مطلقه دارد می‌تواند بر کیفیت زندگی و سازگاری فرزندان و روابط فرد پس از طلاق در حوزه‌های مختلف تأثیرگذار باشد (هاریس، کرابتری، بل، آلن و روبرتز، ۲۰۱۷). طلاق می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات از جمله کاهش خودکارآمدی، افسردگی، اضطراب و استرس باشد که این مشکلات هم می‌تواند بر سایر افراد خانواده از جمله فرزندان تأثیر سوء داشته باشد (ریکس، راوز و رومان، ۲۰۲۲).

احساس امنیت^۵ یکی از عناصر کلیدی است که هر انسانی برای بقا و تعالی به آن نیاز دارد (فاتحی، مرادی و یوسفی، ۱۴۰۱). از این‌رو مفهوم زندگی و معاشرت در درون گروه‌ها پدید آمده و پیوندهای متقابل ایجاد می‌کند (الشاره، عبدالناصر، نایف فادوس و الشاره، ۲۰۱۸). امنیت روانی به نوعی پاسخ به تهدیدات بالقوه است و زمینه بقا فرد را ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که فرد بر مشکلات غلبه نماید (مادریگال^۶، ۲۰۱۸). امنیت روانی اجتماعی یکی از نیازهای اساسی است که انسان ذاتاً و فطرتاً به دنبال آن است (آدبایو و مانسیکا^۷، ۲۰۱۸). اگر دنیای اطراف انسان آرامش بخش نباشد، ذهن پر از ترس و تهدید خواهد بود (الشاره و همکاران، ۲۰۱۸). امنیت روانی اجتماعی اصلی‌ترین عنصری است که وضعیت بهزیستی را نشان می‌دهد و یکی از مفاهیم پیچیده در روانشناسی به حساب می‌آید؛ زیرا تحت تأثیر عوامل متعدد از جمله شادی، راحتی و تأمین نیازهای فردی، اجتماعی قرار می‌گیرد (زوتوا و کاراپتیان^۹، ۲۰۱۸). یکی از عواملی که می‌تواند بر زندگی زنان تأثیر بگذارد، امنیت است. امنیت، احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرش از طرف جامعه است و در مقابل ناایمنی نیز احساس بی‌یاری و یابوری، بیچارگی، عدم محافظت و ناشایستگی در مقابل اضطراب‌های گوناگون تعریف شده است (صالحی و اصغری ابراهیم‌آباد، ۱۳۹۷).

افرادی که احساس امنیت روانی اجتماعی دارند معمولاً به راحتی می‌توانند با دیگران در تعامل باشند (پناهی‌فر و مؤمنی، ۱۴۰۰)، و از نظر عملکردی در موقعیت‌های

^۵ - Feeling of security

^۶ - Alsharah, Abd-Alnaser, Nayef Fadous & Al-Sharaah

^۷ - Madrigal

^۸ - Adebayo & Mansikka

^۹ - Zotova & Karapetyan

^۱ - Divorce

^۲ - Emerson, Harris & Fathiya

^۳ - Crabtree, Bell, Allen & Roberts

^۴ - Rix, Rosea & Roman

امنیت روانی اجتماعی و ایمن بودن یکی از اصلی‌ترین نیازهایی است که انسان برای برآوردن آن تلاش می‌کند. همچنین استدلال می‌شود که هر چه بیشتر فرد از نظر روانی اجتماعی امنیت داشته باشد و احساس امنیت کند، زندگی او از ابعاد مختلف متعادل‌تر و آسیب‌ناپذیرتر است و فرد می‌تواند سازگاری بیشتری داشته باشد (افولابی و بالوگون^۶، ۲۰۱۷). امنیت روانی اجتماعی وضعیتی است که در آن فرد تصویری ایمن و عاری از آسیب و خطر از محیط اطرافش دارد (فلاته و سید^۷، ۲۰۱۸). نتایج یک پیمایش ملی، احساس امنیت برای جامعه ایران را اینطور نشان می‌دهد که ۵۲ درصد از افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیاد، ۲۷ درصد متوسط و ۲۱ درصد دارای احساس ناامنی اجتماعی هستند. این میزان برای استان‌های خراسان به ترتیب ۴۳/۶، ۳۲/۲ و ۲۴/۲ بود. ملاحظه می‌شود که این میزان کمتر از میانگین احساس امنیت کل کشور است. همچنین از دیگر نتایج این پژوهش این است که ۲۱ درصد افراد احساس ناامنی را کم اهمیت و حدود نیمی (۵۶٪) احساس امنیت را مشکل اصلی تلقی می‌کنند (تقوایی نیا و زارعی، ۱۴۰۱). افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۵) در تحقیق خود دریافتند زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی روزمره خود با مسائل و کلیشه‌های منفی روبه‌رو هستند که تجربه حریم ناامن را برای آنان به همراه دارد. نتایج پژوهش خلج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸) با موضوع تجربه زیست زنان مطلقه شهر ساوه در حوزه روابط خانوادگی و اجتماعی نشان داد که جوهره مشترک در تجربیات زنان در روابط خانوادگی، محیط حمایتی و کنترلی و در روابط اجتماعی، طرد اجتماعی درون‌زا و برون‌زا و فضای

مختلف احساسات مثبت داشته باشند و در شرایط و موقعیت‌های استرس‌زا از تاب‌آوری برخوردار بوده و می‌توانند سازگاری لازم را داشته باشند (جاونسکی، تاتالا، جدیناک و والاحووسکا^۱، ۲۰۲۰).

براساس این ضرورت مشخص می‌شود که امنیت برای زنان یک لازمه بوده و این احساس به رفع نیازهای شخصی زنان در حال و آینده مرتبط است (وانگ، لانگ، چن و لی^۲، ۲۰۱۹). طلاق در زنان باعث کاهش نامتناسب درآمد و استانداردهای زندگی و همچنین کاهش شدید و فقر مالی می‌شود و به نوعی امنیت آن‌ها تهدید می‌شود (دی‌واس، گری، کیو و استانتون^۳، ۲۰۱۵). شانس کمتر زنان برای تشکیل زندگی مجدد و مسئولیت به عنوان یک والد تنها ممکن است مسیر آن‌ها را به سمت بهبود اقتصادی مختل کند و اثرات طلاق، به حوزه‌های مختلفی از جمله تغییر در وضعیت اقتصادی، سلامت و رفاه و روابط اجتماعی گسترش می‌یابد و منجر به کاهش نامتناسب در رضایت از زندگی خانوادگی (لئوپولد و کالمین^۴، ۲۰۱۶) و احساس تنهایی و انزوای اجتماعی در زنان می‌شود (لئوپولد^۵، ۲۰۱۸).

می‌توان بیان نمود که نشاط و آرامش از آن کسی است که احساس امنیت و اطمینان نفس داشته باشد (شجاعی-مهر، مؤمنی و کرمی، ۱۳۹۹). در نتیجه مفهوم امنیت اجتماعی همچون سایر مفاهیم در حوزه علوم رفتاری حالت وسیع و گسترده‌ای دارد و تک بعدی نیست و روی نقطه واحد و خاصی تمرکز ندارد. یکی از مفاهیمی که در نیمه دوم قرن بیستم، توجه محققان و دانشمندان را به خود جلب کرده امنیت روانی اجتماعی است، و در واقع

^۱- Janowski, Tatala, Jedynak & Walachowska

^۲- Wang, Long, Chen & Li

^۳- De Vaus, Gray, Qu & Stanton

^۴- Leopold & Kalmijn

^۵- Leopold

^۶- Afolabi & Balogun

^۷- Fallatah & Syed

زمینه‌ساز بهزیستی روانشناختی می‌باشد و در بهزیستی تأثیرگذار است.

با توجه به اینکه زنان مطلقه از افراد جامعه بوده و آمار طلاق رو به افزایش است؛ لذا محققان در این پژوهش به شناسایی و بررسی تجربه زیسته زنان مطلقه از امنیت روانی پرداختند، و از طریق اکتشاف، استخراج و تحلیل شاخص‌ها با موضوع از یک سو موجبات بهره‌مندی دولت‌مردان از نتایج حاصله را فراهم نماید و از جهتی دیگر نتایج حاصله بتواند به گسترش و توسعه شناخت و دانش افراد و خانواده‌ها نسبت به پدیده طلاق و دنیای پس از آن کمک نماید. این پژوهش با هدف تبیین فرایند شکل‌گیری امنیت روانی زنان مطلقه به روش کیفی انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر کیفی و به شیوه پدیدارشناسی انجام شد. جامعه آماری زنان مطلقه شهرستان الشتر که حداقل شش ماه و حداکثر ۴ سال از طلاق آن‌ها گذشته باشد در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل دادند. انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند بود که حجم نمونه با انتخاب ۱۸ نفر به اشباع رسید. ملاک‌های ورود مشارکت‌کنندگان شامل: داشتن دامنه سنی بین ۲۵-۴۵ سال، رضایت افراد انتخاب شده به شرکت در مصاحبه، تجربه یک‌بار ازدواج و طلاق، حداقل شش ماه و حداکثر ۴ سال از طلاق آن‌ها گذشته باشد؛ ملاک‌های خروج نیز شامل: مبتلا بودن به یک اختلال یا بیماری، عدم تمایل و رضایت به شرکت در جلسه مصاحبه مد نظر قرار گرفت؛ بنابراین چنانچه هر یک از افراد نمونه ملاک‌های سه‌گانه را دارا نبودند از پژوهش حذف می‌شدند.

ناایمن شغلی و اجتماعی بود. نتایج پژوهش حسینی، خزایی و غلامی (۱۳۹۸) با موضوع تجربه زیست زنان مطلقه از احساس ناامنی در زندگی روزمره، بیانگر آن است که انگ بیهوشی، هراس اجتماعی، بی‌خانمانی، فقدان حمایت اجتماعی، شرایط احساس ناامنی را به دنبال داشته است. طعمه جنسی بودن، کنترل مضاعف بر رفتار را در پی دارد. زنان مطلقه در مواجهه با پدیده مذکور به استراتژی‌های استیصال، پرخاشگری زنانه و تمایل به خودکشی، مقاومت پنهان زنانه، دست زده‌اند. نتایج پژوهش دهقانی و ابراهیمی (۱۳۹۸)، نشان داد که اعتماد اجتماعی، امنیت اقتصادی و امنیت جانی منجر به امنیت اجتماعی و احساس سعادت‌مندی، امید به آینده و اعتماد به نفس منجر به امنیت روانی می‌گردد. نتایج پژوهش کوین و روبرتسون^۱ (۲۰۲۱) نیز نشان داد که معنویت و دینداری و حمایت اجتماعی از عوامل اصلی امنیت روانی اجتماعی می‌باشند. در پژوهش جاوونسکی و همکاران (۲۰۲۰) نتایج نشان داد زنانی که سطوح بالاتری از امنیت اجتماعی را گزارش کردند علائم افسردگی کمتری داشتند. همچنین نتایج پژوهش اوگیلویه^۲ (۲۰۱۹) نشان داد که امنیت روانی کم، می‌تواند منجر به بیماری‌های قلبی، فشار خون و دیابت گردد. نتایج پژوهش الشاره و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان داد که انسان با معنویت می‌تواند احساس امنیت روانی اجتماعی و زندگی هدفمندی داشته و می‌تواند بر مشکلات غلبه نماید. در پژوهش زوتاوا و کارپتیان^۳ (۲۰۱۸) با موضوع امنیت روانی به عنوان پایه و اساس شخصی بهزیستی روانشناختی (بررسی تحلیلی) نتایج نشان داد که امنیت روانی اجتماعی

^۱- Koen & Robertson

^۲- Ogilvie

^۳- Zotov & Karapetyan

ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر براساس بیانیه هلسینکی (۲۰۱۹) شامل ارائه کامل و شفاف اطلاعات به شرکت-کنندگان و حضور داوطلبانه آنها در مطالعه، رازداری و حفظ شأن و حقوق شرکت کنندگان، احترام به حقوق افراد، کرامت انسان و تنوع باورها و عقاید، اجتناب از آسیب رساندن و تبعیض، مسئولیت پذیری حرفه‌ای، علمی و آموزشی توسط پژوهشگران، کسب اجازه از شرکت-کنندگان و ذکر نام آنها به صورت مستعار و گمنام ماندن بود. از روش هفت مرحله‌ای کلایزی شامل هفت گام ثبت و ضبط مصاحبه‌ها و گوش دادن به آنها؛ مشخص نمودن اطلاعات با معانی مرتبط و مشخص نمودن جملات مهم و مرتبط؛ استخراج قسمت‌های اصلی تفکر؛ اطمینان از صحت ارتباط بین معانی تدوین شده و جملات اولیه و اصلی؛ استخراج کدها و مفاهیم فرموله و مهم؛ دسته‌بندی و پیوند مفاهیم؛ توصیف پدیده؛ و نهایتاً اعتبار بخشی استفاده شد. در انتخاب نمونه پراکندگی و تفاوت بین آنها در نظر گرفته شد و سعی شد نمونه انتخابی حداکثر تمایز در فرهنگ، تحصیلات، محل سکونت، وضعیت مالی و شرایط خانوادگی را داشته باشند. به منظور گردآوری داده‌ها از تجربه زیسته زنان مطلقه و روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. لازم به ذکر است که مصاحبه‌ها توسط نویسنده اول دانشجوی دکترای رشته مشاوره به مدت ۹۰ روزکاری در مرکز مشاوره اداره بهزیستی شهرستان الشتر انجام شد، که مدت هر مصاحبه با توجه به میزان تمایل پاسخ‌دهی شرکت-کنندگان بین ۵۰ تا ۶۰ دقیقه در نظر گرفته شد.

هدف از تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تبیین فرایند شکل‌گیری امنیت روانی زنان مطلقه بود. به این منظور پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آنها، متن گفتگوها

به دقت مورد خوانش و بررسی قرار گرفت. جملات و عبارت‌های مهم از آنان استخراج گردید که هر یک معرف مفهومی از فرایند شکل‌گیری امنیت روانی مشارکت‌کنندگان بود. آنگاه جملات مهم در قالب زیر مضامینی فرمول‌بندی شدند. برای هر یک از مضامین توصیفاتی ارائه شد و در نهایت به منظور اعتبار بخشی، یافته‌ها با مشارکت کنندگان مورد ارزیابی قرار گرفت. این در حالی بود که از راهبردهایی مانند حضور طولانی مدت در فضای پژوهش، هم‌نشینی با شرکت‌کنندگان و تبادل نظر با همتایان^۱ نیز استفاده شد. پایایی داده‌ها به شیوه بازبینی و استفاده از نظرات مددکاران اجتماعی و تأیید آنها (ممیزی بیرونی)^۲ انجام گردید. این در حالی بود که به منظور بدست آوردن افزایش قدرت انتقال-پذیری^۳، کدهایی که به هر مقوله اختصاص داده شده بود با کمک محققان دیگر ارزیابی شد.

در این پژوهش برای ارزیابی روایی، از روایی تئوریک^۴ با رویکرد دریافت نظرات متخصصان استفاده شد. همچنین در این پژوهش برای رسیدن به پایایی^۵ از کمیته تخصصی به عنوان کمیته راهنما جهت ارزیابی نحوه مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات از پدیده مورد نظر استفاده شد.

به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و با هدف افزایش دقت و درستی تجزیه و تحلیل‌ها، تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس هر مصاحبه به طور جداگانه، واژه به واژه تایپ شد. پژوهشگر هر مصاحبه ضبط شده و یادداشت‌های مرتبط با آن را بلافاصله با دقت و سطر به سطر مطالعه کرده و مفاهیمی که به ذهن برسد را یادداشت نمود؛ سپس با استفاده از روش تحلیل داده‌ها،

^۱- Peer debriefing

^۲- External audit

^۳- Transfeability

^۴- Theoretical validity

^۵- Reliability

شده، گزارش آماری پاسخ‌های گروه و تمرکز بر اجماع، استفاده شد.

ابزار

داده‌های مورد نیاز در این پژوهش از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند بدست آمد؛ زیرا که به اعتقاد پونش^۴ (۲۰۰۲) ما به دنبال بررسی عمیق تفکر بدون هدایت بوده‌ایم. سؤال‌های مصاحبه با انتهای باز بود، و به گونه‌ای طراحی شده بود که مشارکت‌کننده را به سمت بیان خود هدایت می‌کرد. یکی دیگر از دلایل استفاده از سؤالات با انتهای باز این بود که این امکان را برای پاسخ‌دهندگان فراهم می‌کرد تا ابعادی از سؤال را انتخاب کنند که مایل هستند به آن‌ها پاسخ دهند. اهم سؤالات عبارت بودند از: زمانی که اطمینان داشتید که نیازهای شما برآورده می‌شود چه احساسی داشتید؟ اگر کسی بخواهد امنیت داشته باشد به کجاها باید رجوع کند؟ چه موقعی فرد می‌تواند اطمینان داشته باشد که کسی او را تهدید نمی‌کند؟ داشتن احساس امنیت چگونه است؟ به نظر شما احساس امنیت چه ابعادی دارد؟ به نظر شما چه چیزهایی باعث احساس امنیت می‌شود؟ به نظر شما با توجه به تجربه‌ای که دارید امنیت روانی چه چیزهایی را در بر می‌گیرد؟ به نظر شما چه چیزهایی به زندگی شما اطمینان خاطر می‌دهد؟

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی از ۱۸ زن مطلقه با حداقل سن ۲۰ و حداکثر سن ۴۵ سال نشان داد که از نظر وضعیت شغلی تعداد ۱۰ نفر خانه‌دار (۵۵٪)، ۴ نفر معلم (۲۲٪)، ۳ نفر شغل آزاد (۱۶٪) و ۱ نفر کارمند (۵٪) از نظر سطح تحصیلات ۱۳ نفر دانشجوی کارشناسی (۷۲٪)،

اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به منظور تسهیل در فرآیند کدگذاری و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودی‌ای^۱ استفاده شد.

داده‌های این پژوهش در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی^۲ انجام گرفت: الف) در کدگذاری باز، عمل مفهوم‌سازی صورت گرفت. به این صورت که یادداشت‌های جمع‌آوری شده حاصل از مصاحبه‌ها و ضبط جلسات مشاوره بازخوانی و جملات و کلمات اصلی استخراج و عبارت‌ها و جمله‌هایی که ماهیت مشابه دارند با یکدیگر ادغام شدند و زیر طبقه‌ها شکل گرفتند. ب) در مرحله کدگذاری محوری، زیر طبقه‌های شکل گرفته مرحله قبل دسته‌بندی شده و طبقه‌های جامع و مانع شکل گرفت. ج) در مرحله کدگذاری انتخابی، تمام مراحل به صورت توأمان مورد توجه قرار گرفت و مفهوم اصلی داده‌ها حول یک محور شناسایی شد. سپس مصاحبه بعدی انجام و مراحل فوق برای آن تکرار و این فرایند تا زمان اشباع نظری ادامه داشت.

به منظور احراز اعتبار پذیری پژوهش از تکنیک‌های: کسب اطلاعات دقیق موازی، خود بازبینی محقق، عینیت پذیری و تأیید پذیری استفاده شد. همچنین قبل از کدگذاری، مصاحبه‌های مکتوب شده به افراد مصاحبه شونده بازگردانده شد تا آن را بررسی و مرور نماید تا در صورت صحت آن، مفاهیم را تأیید نهایی نمایند. در نهایت کدگذاری‌ها در قالب پارادایمی- مرکب، از شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط، استراتژی و پیامد، حول مقوله مرکزی تشکیل شد. جهت ارزیابی و سنجش در پژوهش از روش دلفی کلاسیک^۳ با مشخصات: گمنامی متخصصین، تکرار یا بازگویی، بازخورد کنترل

^۱- MAXQDA

^۲- Open, axial and selective coding

^۳- Classic Delphi

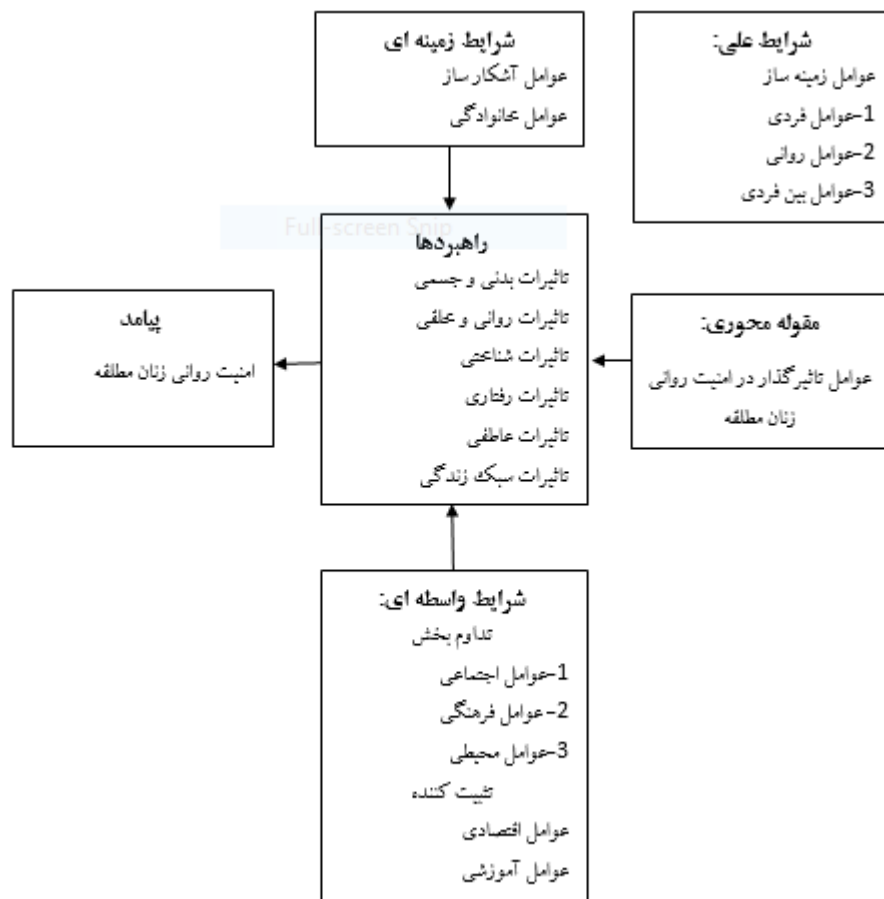
^۴- Punch

۳ نفر لیسانس (۱۶٪) و ۲ نفر فوق دیپلم (۱۱٪) بودند؛ این در حالی است که از نظر تعداد فرزندان ۱۰ نفر دارای یک فرزند (۵۵٪)، ۷ نفر بدون فرزند (۳۹٪) و ۱ نفر دارای دو فرزند (۵٪) بودند. یافته‌ها نشانگر آن است که چهار عامل اصلی در شکل‌گیری امنیت روانی در زنان

مطلقه مؤثر بوده است که هر یک از آنان به عوامل فرعی‌تری تقسیم می‌شوند. در شکل ۱ الگوی پارادایمی فرایند شکل‌گیری امنیت روانی زنان مطلقه و در جدول ۱ عوامل اصلی، فرعی و مؤلفه‌های هر یک در قالب کدگذاری انتخابی، محوری و باز ارائه شده است.

جدول ۱ عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری امنیت روانی در زنان مطلقه با کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل زمینه ساز	عوامل فردی	صفات شخصیتی، تفکرات منطقی و باورهای درست، آزادی، خودشفقت‌ورزی، رضایت بدنی، ورزش، فعالیت جسمی، دانش و آگاهی لازم، مسئولیت‌پذیری، خودکنترلی رفتاری، هوش هیجانی، هوش معنوی بالا، کسب آرامش و لذت، پذیرش تغییر، تصور مثبت از خود، تناسب ظاهری
	عوامل روانی	نگرش و باورهای مثبت، پذیرش واقعیت‌ها، فشار روانی پایین، استرس و اضطراب کم، خلق بالا، امید به زندگی، عزت‌نفس بالا، اعتمادبه‌نفس بالا، هویت، اهمیت به خود، قدرت تحمل بالا، خودآگاهی، خودشناسی، لجبازی نکردن، استقلال، شناخت واقعیت‌ها، خودباوری
	عوامل بین فردی	داشتن دوستان حمایتگر، منزوی نشدن از جمع دوستان، پذیرش دوستان، طرد نشدن، مهارت‌های ارتباطی لازم، دید مثبت اطرافیان، انگ نزدیکی، جلب توجه دیگران، قیاس بندی منطقی، مدارا کردن، داشتن معاشرت، نداشتن حس انتقام و کینه و نفرت، پوشش، محدود نشدن معاشرت به خاطر بیوه‌گی
عوامل آشکارساز	عوامل خانوادگی	کارکرد قوی خانواده، ارتباط و زندگی با فرزندان، رابطه عاطفی مناسب، محیط حمایتی خانواده، نبود سلطه‌گری و خشونت در خانواده، هدایت‌گری در خانواده، محبت در خانواده، احساس پناه، نداشتن احساس تنهایی، عدم اجبار خانواده، عدم نظارت در خانواده، احساس مسئولیت در خانواده، چهارچوب منعطف درون خانواده، سبک دلبستگی ایمن، احساس امنیت درون خانواده، داشتن استقلال، میل و رغبت برای مهمانی
عوامل تداوم بخش	عوامل اجتماعی	دسترسی آسان به سیستم‌های حمایتی، دسترسی آسان به سیستم‌های مشاوره‌ای، پذیرش در بین دوستان، پذیرش اجتماعی، سرگرم کار بودن، داشتن شغل، استرس شغلی کم، حمایت اجتماعی، آموزش کافی در اجتماع، تعاملات کارآمد، ادامه تحصیل، پذیرش محدودیت‌ها، برنامه‌ریزی در جهت انجام کار، امنیت اجتماعی، بستر ازدواج مجدد
	عوامل فرهنگی	هنجار اجتماعی، احترام و منزلت، اعتقادات مذهبی قوی، معنویت، پذیرش به عنوان جزئی از زندگی، نگرش مثبت نسبت به زندگی، امکانات فرهنگی، نگاه و دید مثبت مردم، نبود نگاه کلیشه‌ای، کمرنگ بودن نگاه‌های جنسیتی، شرم و حیا در جامعه، نبود تبعیض، کم شدن کنایه‌ها و نگاه سنگین و معنادار دیگران
	عوامل محیطی	امکانات تفریحی - ورزشی، ارتباط با محیط‌های مناسب، سیستم حمایتی، داشتن محیط غنی، نگاه مثبت محیطی، داشتن احساس امنیت، مطرود نشدن از کار
عوامل تثبیت کننده	عوامل اقتصادی	توان مالی، تهیه ضروریات زندگی، استقلال مالی، داشتن مسکن، درآمد ثابت
	عوامل آموزشی	کسب مهارت‌ها، مدیریت استرس، سبک مقابله‌ای مسئله‌مدارانه، مهارت حل مسئله، مهارت کنترل خشم، مهارت خودیاری، مهارت تصمیم‌گیری



شکل ۱ الگوی پارادیمی فرآیند شکل‌گیری امنیت روانی زنان مطلقه

بحث

هدف از پژوهش حاضر تبیین فرآیند شکل‌گیری امنیت روانی زنان مطلقه به روش کیفی بود. نتایج نشان داد که عوامل فردی، روانی و بین فردی (عوامل زمینه‌ساز) به عنوان شرایط علی؛ عوامل خانوادگی (عوامل آشکارساز) به عنوان شرایط زمینه‌ای؛ عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی (عوامل تداوم‌بخش) و اقتصادی، آموزشی (عوامل تثبیت‌کننده) به عنوان شرایط واسطه‌ای و مداخله‌ای در امنیت روانی زنان مطلقه تأثیرگذار هستند؛ که این عوامل در فرد تأثیرات بدنی و جسمانی، روانی و خلقی، شناختی و رفتاری به‌جای خواهد گذاشت و زمینه امنیت روانی در زنان مطلقه را ایجاد می‌کند که در

مجموع از یافته‌های پژوهش حاضر ۴ کد انتخابی، ۹ کد محوری و ۱۱۱ کد باز استخراج شد.

از دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل فردی، روانی و بین فردی (زمینه‌ساز) به عنوان شرایط علی، از عوامل تأثیرگذار در امنیت روانی زنان مطلقه است که با نتایج پژوهش کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)؛ حسینی و همکاران (۱۳۹۸)؛ شجاعی‌مهر و همکاران (۱۳۹۹)؛ زوولینسکی (۲۰۱۶)؛ افولابی و بالوگون (۲۰۱۷)؛ جاونسکی و همکاران (۲۰۲۰)؛ اوگیلویه (۲۰۱۹) و کوین و روبرتسون (۲۰۲۱) همسو بود. در دیدگاه شناختی باورها، نگرش‌ها و افکار تعیین‌کننده رفتار است، پس زنان مطلقه‌ای که

می‌کند؛ احساس سعادتمندی، اعتماد به نفس و امید به آینده برای وی فراهم و زمینه امنیت برای وی ایجاد می‌گردد.

از دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل اجتماعی، فرهنگی، محیطی (تداوم‌بخش) از عوامل تأثیرگذار در امنیت روانی زنان مطلقه است، که با نتایج پژوهش شاهیوندی و همکاران (۱۳۹۰)؛ کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)؛ افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۵)؛ خلج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸)؛ حسینی و همکاران (۱۳۹۸)؛ زوولینسکی (۲۰۱۶)؛ الشاره و همکاران (۲۰۱۸)؛ فلاته و سید (۲۰۱۸) و کوین و روبرتسون (۲۰۲۱) همسو بود. باورهای معنوی فرد را در برابر مشکلات جسمی، روانی، اجتماعی مصونیت بخشیده و کارکرد زندگی وی را افزایش می‌دهند. از این دیدگاه، فرد زمانی که با نیروی بزرگتری در ارتباط است و اهداف و ارزش‌های والاتری دارد دارای عملکرد بهتری است. به تعبیر متوکلان، امید به پشتیبانی خداوند دارند و در نتیجه اعتماد به نفس بالایی نیز خواهند داشت.

از سویی جامعه‌پذیری آشکارترین شیوه‌ای است که از طریق آن، فرهنگ جامعه در ایجاد تفاوت‌های رفتار مردان و زنان نقش ایفا می‌کند. از چنین زاویه‌ای از آنجا که محیط زندگی اجتماعی زنان مطلقه سرشار از تغییر و تحولات گوناگون است، که هر کدام از آن‌ها می‌توانند فشارها زیادی بر وی وارد و فضای موجود را برای او دشوار و خسته کننده سازند. چنانچه این افراد تاب‌آوری و مهارت مدیریت استرس بهتری داشته باشند قادر خواهند بود با موقعیت‌های گوناگون و در شرایط مختلف خود را سازگار نمایند. در چنین شرایطی عوامل فشارزای

احساس کارآمدی، خودباوری و امید دارند ممکن است در مواجهه با محیط پیرامونی و حتی مسائل فردی و شخصی خود از نگرش‌ها و افکار خاصی که معمولاً مثبت و منطقی هستند بهره گیرند، که آن‌ها را نسبت به آسیب‌های زندگی مصون‌تر سازد؛ همچنین طرز تلقی و افکار آن‌ها را نسبت به زندگی را مثبت و واقع‌بینانه کند و فرد براساس نگرش‌ها و باورهای کارآمد، وقایع بیرونی را مدیریت کرده و فشار و استرس کمتری را تجربه و کمتر دچار آشفتگی شود. در این وضعیت در مقایسه زندگی خویش با سایرین کمتر دچار تحریف شده و در نتیجه امکان ترس، استرس و پوچی کمتری ایجاد و با امیدواری و احساس سرزندگی ادامه دهد. از سویی باورهای مثبت و امیدواری می‌تواند مشکلات و محدودیت‌ها را کاهش دهد و در نتیجه فرد از راهبردهای حل مسئله به‌جای راهبردهای هیجانی استفاده نماید و به جای تمرکز بر درد، بیماری، محدودیت‌ها و تهدیدها، به راهبردهای مسئله‌مدارانه روی آورد. چنین خودباوری و تلاشی می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای آنان ایجاد نماید و زمینه‌ساز موفقیت و سعادتمندی برای وی گردد.

از سویی از دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل خانوادگی (عوامل آشکارساز) به عنوان شرایط زمینه‌ای، از عوامل تأثیرگذار در امنیت روانی زنان مطلقه است، که با نتایج پژوهش افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۵)؛ خلج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸)؛ لئوپولد و کالمین (۲۰۱۶) و فلاته و سید (۲۰۱۸) همسو بود؛ بنابراین در محیط خانوادگی جدید چنانچه شرایطی ایجاد گردد که فرد توانایی توجیه علمی و منطقی این مسائل را داشته باشد و احساس دلگرمی و حمایت در خانواده را تجربه کند از اضطراب و تشویش درونی رها شده و تسکین خاطر پیدا

نتیجه‌گیری

داده‌های این پژوهش نشان داد که اساساً جهان‌پدیداری برای این زنان بستری است که امنیت و یا عدم امنیت در آن رخ می‌دهد و بر کم و کیف مناسبات و نهایتاً سلامت روانی آن‌ها اثر می‌گذارد. اساساً فرآیند طلاق و جدایی، محاسبات قبلی این گروه از زنان را به هم ریخته است. در نتیجه چالش جدی برای آنان «درهم آمیزی موفق شغل و فعالیت‌های اجتماعی و ایفاء نقش‌های زنانه» است. هر چند تعدادی از آنان هنگامی که حضور پر رنگ‌تری را در عرصه عمومی تجربه می‌کنند به احساس خود ارزشمندی می‌رسند، با این حال حضور مردانه در عرصه عمومی نرمی مناسبات زنانه آنان را دچار سایش کرده است.

گروهی از این زنان چشم‌انداز روشنی نسبت به تجارب گذشته خود داشتند؛ و در مقابل تعدادی از آنان نگرشی منفی به گذشته داشتند. هر چند برای گروهی از آنان زمان اکنون مهم بود و در لابه‌لای سخنان آن‌ها نشانه‌هایی از میل به فراموش کردن گذشته و لذت بردن از اکنون وجود داشت. این در حالی است که برخی از آنان خود را تسلیم سرنوشت از پیش نوشته شده می‌دانستند و از هر گونه تلاشی برای تغییر در وضعیت خود دست بر داشته بودند. گروهی نیز که علاوه بر اینکه به آینده خوشبین بودند، سعی می‌کردند تا بر ناامیدی خود فائق آیند و با در نظر گرفتن شرایط موجود تلاش کنند تا تصمیم‌گیری مناسبی را برای آینده داشته باشند.

پژوهش حاضر در روند اجرا و جمع‌آوری داده‌ها با محدودیت مواجه بود. نخست اینکه امروزه در ایران سازمان‌های گوناگونی متولی حمایت از زنان مطلقه هستند. باین‌حال هیچ یک از آنان، حتی معاونت زنان و

بیرونی تأثیر مخربی بر آن‌ها ندارد که این نیز می‌تواند زمینه ساز امنیت باشد.

از دیدگاه شرکت‌کنندگان عوامل اقتصادی و آموزشی (عوامل تثبیت کننده)، از عوامل تأثیرگذار در امنیت روانی زنان مطلقه است، که با نتایج کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)؛ خلج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۸)؛ دهقانی و ابراهیمی (۱۳۹۸)؛ زوولینسکی (۲۰۱۶) و الشاره و همکاران (۲۰۱۸) همسو بود. مطلقه بودن می‌تواند بر هویت اجتماعی و شخصی فرد و تصویری که فرد از خود دارد تأثیرگذار باشد. زنان مطلقه در ارتباطات بین فردی در طبقات گوناگونی قرار می‌گیرند. بر این اساس، این زنان به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروهی در تعاملاتشان با دیگران اعم از خانواده، همسایگان، همکاران و افراد جامعه بهره می‌گیرند و از دیگران فاصله نمی‌گیرند، در نتیجه از حمایت دیگران بی‌نصیب نمی‌شوند. این گروه به صورت کاملاً مدیریت شده با دیگران در تعامل هستند. به کار و حرفه خود ادامه می‌دهند تا خود را از لحاظ مالی تأمین و به استقلال برسند. این گروه به مرور مسیر امنیت را طی می‌کنند؛ اما گروهی دیگر در تعاملاتشان با دیگران دچار تنش هستند و از اجتماع کناره‌گیری می‌کنند و فعالیت چندانی در زمینه کار و شغل ندارند و حتی هیچ اقدامی هم در این زمینه انجام نمی‌دهند؛ بنابراین اکثر آن‌ها تحت کنترل خانواده هستند که به تدریج زمینه احساس نارضایتی در آن‌ها ایجاد می‌گردد. در نتیجه گروهی که با امیدواری به آینده و تصور مثبت نسبت به دیگران زندگی می‌کنند و یا با بهزیستی و تاب‌آوری بالا با استرس‌ها مواجه می‌شوند، در صورتی که از حمایت دیگران برخوردار باشند زمینه امنیت روانی اجتماعی برای آن‌ها مهیا می‌گردد.

داده‌های پژوهش حاضر همچنین نشان داد که هر چند می‌توان خدمات مشاوره‌ای را در دو سطح فردی و گروهی ارائه داد؛ اما از آنجا که بی‌اعتمادی بر بیشتر مناسبات اجتماعی این زنان سایه انداخته است، اکثریت آنان مشاوره فردی را ترجیح می‌دهند؛ که می‌توان آن را در دو قالب شیوه‌های متمرکز بر حل مسئله و شیوه‌های متمرکز بر تنظیم و کنترل هیجانات به آنان ارائه داد.

یکی از عواملی که می‌تواند در عدم امنیت روانشناختی زنان مطلقه مؤثر باشد، مسائل اقتصادی گریبان گیر آنان بعد از طلاق است. به همین منظور خانواده‌ها و سازمان‌های حمایتی نیز بیشترین اهمیت را به حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار می‌دهند و کمتر توجه به حمایت‌های روانشناختی از این زنان می‌شود. پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های حمایتی توجه به بعد حمایت‌های غیرمادی، مانند آموزش و مشاوره را نیز در دستور کار خود قرار دهند. این در حالی است که مناسب است حمایت‌های مالی نیز، در قالب اعطای وام‌های کم بهره و یا بدون بهره با استراتژی‌های فقرزدایی تلفیق شود، زیرا در غیر این صورت آنچه که از اینگونه وام‌ها برای زنان سرپرست خانوار می‌ماند، بحران بدهی‌ها است.

سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از رساله دکترای رشته مشاوره نویسنده اول در پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران به شناسه اخلاق IR.SBU.REC.1401.111 از دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد، کلیه اصول اخلاقی در پژوهش‌های انسانی یا غیرانسانی مطابق با بیانیه هلسینگی در آن رعایت شده است. همچنین در روند انجام این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی از سوی افراد حقیقی و یا حقوقی صورت

خانواده ریاست جمهوری (به عنوان بالاترین مرجع مرتبط با اینگونه زنان) آمار دقیقی از این زنان ندارد. مضاف بر اینکه بسیاری از سازمان‌ها و مسئولینی که مستقیماً با آسیب‌های اجتماعی، همچون زنان سرپرست خانوار سروکار دارند، آسان‌ترین گزینه را در قبال این پدیده که همانا پنهان کردن اطلاعات و آمارهای مربوطه است را پیشه خود می‌سازند. پرواضح است که این وضعیت، پژوهش حاضر را با محدودیت مواجه نمود. از سویی هر چند که در این تحقیق تلاش شد تا در روند مصاحبه، با تمهیداتی مناسب و اجرای یک گفتگوی همدلانه، مشارکت‌کنندگان بدون دغدغه، به روایت خود از عوامل امنیت روانی بپردازند، لیکن از آنجا که ساختار روانی آنان به شدت با بی‌اعتمادی گره خورده است، برخی از آنان از بیان ابعادی از تجربه زیسته خود پرهیز می‌نمودند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود محققان آینده با دقت بیشتری مبتنی بر واقعیت در این زمینه پژوهش‌های خود را انجام دهند. همچنین پیشنهاد می‌گردد قانون‌گذاران، توجه جدی به این گروه از زنان در وضع قوانین داشته باشند.

بسیاری از این زنان بعد از طلاق، به دلیل ناآشنایی با قوانین حقوقی، با موانعی جدی در احقاق حقوق خویش مواجهه هستند. پیشنهاد می‌شود سازمان‌های حمایتی با هماهنگی قوه قضائیه مراکزی را به منظور حمایت و معاضدت قضایی در دادگستری‌ها برای این زنان دایر نماید. داده‌های این پژوهش نشان داد که زنان مطلقه بعد از دغدغه مالی، مهم‌ترین آسیب را در حوزه اعتمادبه‌نفس و خود ارزشمندی متحمل می‌شوند، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های حمایتی استراتژی‌هایی را اتخاذ نمایند تا ارائه خدمات به این زنان، موجب کاهش عزت نفس آنان نشود.

- Garosi S, Mohammadidowlatabadi KH. (2011). Explaining the lived experience of drug dependent women from the phenomenon of addiction. *Sociology of women*, 2(1), 55-74. (In Persian)
- Harris SM, Crabtree SA, Bell NK, Allen SM, Roberts KM. (2017). Seeking clarity and confidence in the divorce decision-making process. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(2), 83-95.
- Hoseini MR, Khazaei S, Gholami F. (2019). Divorced women's lived experience of feeling insecure in everyday life. *Women's Journal*, 10(30), 1-26. (In Persian)
- Houghton K, Salkus-Kiss C. (2022). *Cognitive behavioral therapy*. Tehran: Arjmand Publications.
- Jahanbakhsh Ganjeh S. (2020). Qualitative study of women's safety in the family environment Case study: Women referring to counseling centers in Karaj city. *Women and family studies*, 8(2), 79-114. (In Persian)
- Janowski K, Tatala M, Jedynak T, Wałachowska K. (2020). Social support and psychosocial functioning in women after mastectomy. *Palliative and Supportive Care*, 18(3), 314-321.
- Khalajabadi Farahani F, Tanha F, Abotorabizarchi F. (2019). Life experience of divorced women in Saveh city in the field of family and social relations. *Women in development and politics*, 15(2), 223-240. (In Persian)
- Khaledian M, Arjmandkemani R, Amini P. (2018). The effectiveness of spirituality education with an emphasis on Islamic religious teachings on resilience and social adaptation in substance dependent people. *Social Health and Addiction Quarterly*, 18, 57-74. (In Persian)
- Koen V, Robertson N. (2021). A qualitative exploration of psychosocial well-being experiences in a South African rural community. *Journal of Community Psychol*, 49(5), 1195-1211.
- Leopold T, Kalmijn M. (2016). Is divorce more painful when couples have children? Evidence from long-term panel data on multiple domains of well-being. *Demography*, 53, 1717-1742.

نگرفته است و با منافع شخصی یا سازمان خاصی تعارض منافع ندارد.

References

- Adebayo GO, Mansikka JE. (2018). Human Security and Citizenship in Finnish Religious Education: Rethinking Security within the Human Rights Horizon. *Human Rights Review*, 19(4), 447-469.
- Afolabi OA, Balogun AG. (2017). Impacts of Psychological Security, Emotional Intelligence and Self-Efficacy on Undergraduates Life Satisfaction. *Psychological Thought*, 10(2), 247-261.
- Alsharah N, Abd-Alnaser AA, Nayef Fadous A, Al-Sharaah F. (2018). The Effect of Religious Commitment on Psychological Security: The Case of Female Students at Irbid University College. *Review of European Studies*, 10(4), 124-138.
- De Vaus D, Gray M, Qu L, Stanton D. (2015). The economic consequences of divorce in six OECD countries. *Australian Institute of Family Studies*, 1-19.
- Dehghani H, Ebrahimi H. (2019). The study of the feeling of psychological and social security with a tendency towards superstitions: Isfahan University students. *Strategic studies of Iran's social issues*, 8(27), 99-122. (In Persian)
- Emerson A, Harris S, Fathiya A. (2021). The impact of discernment counseling on individuals who decide to divorce: experiences of post-divorce communication and coparenting. *Journal of Marital and Family Therapy*, 47(1), 36-51.
- Fallatah RM, Syed J. (2018). A Critical Review of Maslow's Hierarchy of Needs. In *Employee Motivation in Saudi Arabia*, 17(3), 19-59.
- Fatehi SH, Moradi O, Yousefi F. (2022). Compilation of the model of experience of violence by spouse in women based on personality characteristics with the role of mediator of psychological distress. *Journal of Cognitive Psychology and Psychiatry*, 9(6), 1-15. (In Persian)

- Leopold T. (2018). Gender Differences in the Consequences of Divorce: A Study of Multiple Outcomes. *Demography*, 55, 769-797.
- Madrigal MD. (2018). Obsessive-Compulsive Homeland Security: Insights from the Neurobiological Security Motivation System. USA: NAVAL POSTGRADUATE SCHOOL, 1-79.
- Nemati Sogolitappeh F, Khaledian M. (2022). Developing a structural model for marital intimacy through love styles with the mediating role of interpersonal forgiveness. *Knowledge and Research in Applied Psychology*. (In Persian)
- Ogilvie CL. (2019). Effectiveness of environmental education programmes in adverse socio-economic environments: A case study of the Ndumo communities (Unpublished doctoral thesis), Kwazulu-Natal. SOUTH AFRICA: TSHWANE UNIVERSITY OF TECHNOLOGY.
- Panahifar S, Momeni A. (2021). The effectiveness of couple therapy based on emotional intelligence components on reducing marital conflicts and increasing adjustment of divorce applicant couples. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 8(4), 38-50. (In Persian)
- Rix R, Rosea J, Roman N. (2022). The Contribution of Divorce to Parental-Self Efficacy and Perception of Parenting among Divorced Parents: A Qualitative Study. *Journal of Divorce & Remaniage*, 63(2), 87-100.
- Salehi B, Asghariebrahimabadi MJ. (2018). The role of psychological security in predicting the psychological well-being of infertile women with the mediation of religion. *Islamic lifestyle with a focus on health*, 2(4), 195-201. (In Persian)
- Shojaimehr P, Momeni KH, Karami J. (2020). The relationship between psychological security, social support and resilience with the occurrence of post-traumatic stress disorder. *Journal of psychology*, 24(2), 184-199. (In Persian)
- Taghvaeinia A, Zarei F. (2022). The effectiveness of emotion regulation training on promoting mental health and rumination of divorce women. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 9(3), 44-56. (In Persian)
- Wang J, Long R, Chen H, Li Q. (2019). Measuring the Psychological Security of Urban Residents: Construction and Validation of a New Scale. *Frontiers in Psychology*, 10, 2423.
- Zotova OY, Karapetyan LV. (2018). Psychological Security as the Foundation of Personal Psychological Wellbeing (Analytical Review). *Psychology in Russia: State of the Art*, 11(2), 100-113.